

نابود باد جنگ: مرگ بر
خمینی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال دوم

شماره ۲۳ - اردیبهشت ۶۵

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

اطلاعیه شورای ملی مقاومت

تأکيدات شورای عالی بر مواضع انحرافی باندا حاکم براقليت

ایدئولوژیک - سیاسی واقعی مخالفین با باندا حاکم
موتر واقع می افتاد - بهر رو ما در آن هنگام خطاب به
مخالفین باندا توکل چنین نوشتیم: " در ضمن
مخالفین این باندا منحط در درون اقلیت، تنها
هنگامی می توانند از حوادث گذشته و برخورد اخیر
بدرستی درس آموزی کرده، که با گذشته به شیوه
انقلابی برخورد نموده و ضمن پرهیز از هر گونه
برخورد شخصی و فیزیکی و با یک انتقاد از خرد
اصولی، انقلابی و شرافتمندانه، به صف نیروهای
جنبش انقلابی مسلحانه پیوسته و تلاشهایی را که
باندا حاکم بر اقلیت تا کنون علیه انقلاب و جنبش
انقلابی مسلحانه نموده، محکوم نمایند. در غیر
اینصورت و با ادامه سیاستهای غیر روشن و التقاتلی
ستاسفانه همان سرنوشت رفت انگیزی در مقابل آسان
است که امروز این باندا منحط بدان دچار شده است."
بقیه در صفحه ۲

زمانیکه اختلافات درونی جریان اقلیت به حدی
شدت یافت که منجر به درگیری مسلحانه و جنایت
باندا حاکم بر اقلیت در روز ۲ بهمن گردید، مرزبندی
ایدئولوژیک - سیاسی جناح مخالفین که مورد تعرض
باندا حاکم قرار گرفته بود، برای همگان جای سوال
بود. در آنروزها تشخیص اینکه واقعا اختلافات
درونی اقلیت از حیث ایدئولوژیک - سیاسی بر سر
چیست، مشکل می نمود. مخالفین باندا حاکم که
بعد از واقعه ۴ بهمن بنام " شورای عالی" فعالیت
نمودند از یکسو از وجود " اختلافات سیاسی -
تشکیلاتی" " اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک"
و " مبارزه حاد ایدئولوژیک" درون اقلیت و ۲۰۰۰۰ دم
پرهیز و از دیگر سوی چنان می نوشتند که از آن سوی
عقوبت ادامه همان سیاستهای بنیادین انحرافی که
باندا حاکم متکرر و خطا دیده آن بودند، به مشام
می رسد. این وضع خود هر علم تشخیص مرزبندیهای

در شرایطی که بحرانهای فزاینده ی اقتصادی
و اجتماعی و بن بست جنگ و ناراضی عمومی و بویژه
اعتلای جنبش مقاومت، رژیم سرکوبگر خمینی را در
سراشیب سقوط انداخته است، در روزهایی که
حامیان داخلی و بین المللی رژیم برای نجات این
محتضر و تضعیف جنبش مردم و بویژه شورای ملی
مقاومت به هر توطئه ای متوسل میشوند باندا تبهکار
کامیابی - زهری (معروف به اقلیت) بعد از کشتار
تجمع درون گروهی برای انحراف افغان و برخورداری از
جوی که دشمنان مقاومت ایران علیه شورای ملی
مقاومت ایجاد نموده اند، طی روزهای ۲۸ / اسفند تا
۲۵ / فروردین ۶۵ به نمایشهای نفرت انگیز و
اقدامات ضد انقلابی دیگری علیه مقاومت مردم ایران
در مقر شورای ملی مقاومت و محل اقامت آقای مسعود
رجوی مسئول این شورا دست بازید که از چار خمیس
عموم هموطنان شرافتمند و آگاه ما را برانگیخته
است.

شورای ملی مقاومت در رابطه با اقدامات اخیر
باندا مذکور موارد زیر را که حاصل بحثهای دستجمعی
در نخستین اجلاس شورا در سال ۱۳۶۵ میباشد، اعلام
می نماید:

- ۱- شورا حرکات تبهکارانه این باندا در شهرک اور -
سور - اواز را در ردیف تمهیدات و توطئههای رژیم
خمینی دانسته و آنرا در راستای اعمال تروریستی
پاسداران جنایت پیشه خمینی (که تا کنون خود آنها
قادر به انجام آن نبودند) تلقی میکند. حرکات
مزبور موجب تشنج در این شهرک شده و راه را برای
اقدامات تروریستی و بمب گذاری بعدی هموار نموده
است. شورای ملی مقاومت این تشیبات ننگین را
زمینه ساز و مکمل اقدامات ارتجاعی و امپریالیستی
علیه مقاومت عادلانه مردم ایران و شورای ملی
مقاومت و مسئول این شورا می شناسد. بدین ترتیب
باندا نامبرده در شرایط کنونی به مناسبترین وسیله
و آلت دست جریانات ارتجاعی و استعماری علیه
مقاومت دورانساز کنونی مردم ایران تبدیل شده است.
- ۲- هدف این اقدامات ردیانه پوشانیدن ورشکستگی
سیاسی و پاشیدگی تشکیلاتی باندا نامبرده است. به
خصوص که منتهیات صحنه واقعی مبارزه علیه رژیم
خمینی را ترک کرده و آشکارا مبارزه با شورای ملی
مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران را کار اصلی
خود قرار داده است. این باندا برای رسیدن به هدف
بقیه در صفحه ۲

پیروزی بزرگ شورای ملی مقاومت در عرصه بین المللی

در صفحه ۳

بیانیه شماره ۱ و ۲

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پرو برنامه (هویت)

خطاب به افکار عمومی و نیروهای مترقی،

صلح طلب و بشردوست جهان

در صفحه ۹

شیوه جدید سرکوب زنان

رژیم ارتجاعی خمینی طی دوران حکومت سیاه
و ننگینش زنان را بمثابة موجودی نیمه انسان همیشه
مورد تعرض و توهین قرار داده است. سیاست
ارتجاعی یا روسری یا توشری، کتک زدن زنان در معابر
عمومی و عمل وحشیگرانه سنگسار کردن زنان از جمله
اقدامات رژیم در مورد زنان است. قانون قصاص را که
قانونی ضد بشری است و وحشیگری صرف را بنمایش
می گذارد در مورد زنان بکار میبرد. اما از آنجایی
بقیه در صفحه ۹

گزارشی از تظاهرات مردم مشهد

در ۱۵ اردیبهشت ۶۴

با آغاز سال ۶۴ و متعاقب شکست مفتضحانه
ارتش و سپاه خمینی در عملیات سوم به سرد،
سیاستهای جنگ افروزانه رژیم دامنه گسترده تری یافت
و این بار ابعاد آن، مردم بی دفاع شهرهای مختلف
کشورمان را نیز در بر گرفت. رژیم جمهوری اسلامی
که از پاسخگویی به خواسته های مردم در زمینه های
مختلف ناتوان است و حیات خویش را در ادامه هر چه
خونبارتر جنگ می بیند تا از قبال آن چند صیاحی
بیشتر به عمر ننگین خویش استمرار بخشد،
سیاستهای ضد خلقی خود را بر محور درگیر کردن
افشار اجتماع در این مسئله استوار نموده است.
جنگ شهرها که با این نیت آغاز شد در عمل نه تنها
افغان نمودهها را منحرف نموده بلکه نتیجه ای کاملاً
معکوس و بر ضد عاملینش در بر داشت. زحمتکشان
میهن ما با تجربه ی ۶ ساله خویش دریافته اند که
تنها طرف سودبرنده از جنگ، رژیم خمینی می باشد
بقیه در صفحه ۵

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشت رژیم خمینی

تأکيدات ...

بقیه از صفحه ۱

و در ادامه ، در نبرد خلق شماره ۲۱ (اسفند ماه " در رابطه با واکنشی که این جناح علیه بیانیه صادره از سوی ما در افضای باند حاکم بر اقلیت از خود نشان داده بود : نوشتیم : " مخالفین باند حاکم بر اقلیت که خود را " شورای عالی " نامیده اند ، نسبت به تأثیرات مثبت این بیانیه که چهره ارتجاعی و ضد کمونیستی باند توکل ، بهرام ، اعظم را هر چه بیشتر افشا میکند ، واکنشی غیر سیاسی و گودگانه از خود نشان داده و گر چه تا کنون هیچگونه اظهار نظری پیرامون نظرات سیاسی - ایدئولوژیک خود ننموده اند ، اما بنحوی سعی کرده اند تمام سیاستهای اقلیت را تاخیر کرده و تنها مرکزیت آنها خطا کار اعلام کنند . " بله در آن هنگام بعلت آنکه مخالفینی که با نام " شورای عالی " فعالیت می کردند ، مواضع خود را روشن نکرده بودند ، فقط می توانستیم از لابلای اعلامیه ها و اطلاعیه های آنان دریابیم که ایشان نیز " بنحوی سعی کرده اند تمام سیاستهای اقلیت را تأیید کرده " و در ادامه بر همان مواضع انحرافی بافتاری می نمایند ، که البته در این صورت سرنوشت باند حاکم بر اقلیت در انتظار آنان نیز خواهد بود .

اما اکنون یعنی در آخر فروردین ماه ۶۵ که چند شماره نشریه ریگای گل و کار منتشره از سوی " شورای عالی " بدست ما رسیده است ، نشان میدهد مخالفین باند توکل نرم جزم کرده اند که همان سیاستهای انحرافی را بی کم و کاست پیگیرانه تر از باند حاکم ادامه دهند .

مخالفین باند حاکم بر اقلیت در این توجیحات به صراحت بر تمامی سیاستهای تاکتونی اقلیت مبرر تأیید زده و اعلام کرده اند ، منبعد نیز همان خط و مشی انحرافی را ادامه خواهند داد . (هر چند گسسه راه در زلف و گریز را نیز بنحوی باز گذاشته اند .)

ما برای اطلاع خوانندگان نشریه نبرد خلق فشرده مواضع مخالفین را در اینجا درج می نمایم و برخورد مفصل بدان را به بعد موکول می کنیم .

• مواضع مخالفین توجه نمایند : " شورای عالی سازمان در عین حال که با حفظ پرنسیپهای کمونیستی ، متعبد به چار چوب سموات اولین کنگره سازمانی را امری ضروری تلقی می کند ، اما تغییر و تحولات چهار سال گذشته ایران را که بویژه در عرصه سیاسی به صف بندهیهای جدید طبقاتی جلای هر چه بیشتری بخشیده است مد نظر داشته و بر اساس مواضع تاکتونی سازمان حرکت خواهد نمود . " (پیام شورای عالی سازمان به مناسبت هفتمین سالگرد قیام بهمن و ۳۰۰۰ - تأکید از ماست .)

با " ما روش برنامه ای را که در جریان مبارزه ایدئولوژیک دانشی با جریانات اپورتونیستی و در جریان حیات چهار ساله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمثابة پر نفوذ ترین و محورترین سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران و بویژه طی مبارزه ایدئو - لوژیک فعال پنج ساله بعد از قیام بهمن تدوین شده ، راهگشای تحقق حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران

اطلاعیه ...

بقیه از صفحه ۱

ناپاک خود حاضر است به هر شیوهی ضد انقلابی و ضد بشری دست بزند و در صف عاملان و مجریان برانگیزی عمل کند که رشد و اعتلای داخلی و بین المللی مساوی مقاومت مردم ایران برای آزادی و صلح و استقلال مانع تحقق مقاصد شوم آنهاست .

خواست جلوگیری از فعالیت سازمانی مسئول شورای ملی مقاومت در فرانسه ، سلب حفاظت با اخراج او ، خواست رژیم خمینی ، خواست ضد انقلاب مغلوب و خواست حامیان بین المللی آنان میباشد که اکنون توسط این باند منحط عنوان میشود .

نماید از یاد برد که حرکات مشتمل کننده ی باند مزبور ، تجاوز آشکار به حقوق هم میهنان پناهنده ی ما است و بازتاب آن حریم پناهندگی سیاسی را نیز در تعامیش مخدوش می کند .

۳- شورای ملی مقاومت ایران بمثابة تنها الرئاستیو دمکراتیک برای رژیم ضد انسانی خمینی ، اطمینان دارد که مردم ایران هیچگاه تشیقات جانناکارانه ی باند مزبور را بر آنان نخواهند بخشید و اینسان باستی در برابر مردم محروم و ستمدیده ی ما پاسخگو باشد و در معرض داوری قرار گیرند .

۴- شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران طی ۵ سال گذشته نه تنها محل آسایش و امنیت همسایگان و مردم محل نبوده ، بلکه نقش بسیار موفری نیز در افشای توطئه ها و حرکات تروریستی عوامل رژیم خمینی ایفا نموده اند .

• شورا با تأکید بر این سیاست ، بار دیگر با آآوری می کند که هیچستان تمام توان و تلاش خود را برای اجتناب از عرکونه تشنج آشوب بکار خواهد گرفت .

۵- شورای ملی مقاومت سقوط این باند توطئه گر به وظیفه ایست که اعمال ضد بشری و موشگیزی در برابر آنرا یک سر فعل کیفی در روابط نیروهای سیاسی ایران میباشد و از اینرو وظیفه ی کلیه ی نیروها و شخصیتها معتقد به آزادی و استقلال ایران می دانند تا بسظهور تامين سلامت روابط انسانی ابرانیان در خارج از کشور و تضمین حداقل حقوق پناهندگی سیاسی ، اعمال اخیر این باند خاشن ضد انقلابی را محکوم نمایند

بقیه در صفحه ۶

تشکیلاتی مخالفین با باند توکل در حد نقدی باشد که از سوی عباس کامیاری ارائه شده و در نشریه ریگای گل شماره ۲۸ منتشر گردیده است ، آنوقت باید گفت آقایان ول معطلند .

به اعتقاد ما با این تأکیداتی که مخالفین باند حاکم بر اقلیت بر مواضع انحرافی تاکتونی اقلیت گذاشته اند و در صورت ادامه " پیگیرانه " این مواضع انحرافی که باند توکل پیگیری خود را در این شماره عملاً ثابت کرده اند (متأسفانه باید گفت سرنوشت بهتری از همان باند حاکم نخواهند داشت . مگر اینکه این تأکیدات بر مواضع تاکتونی اقلیت جنبه عملیاتی برای آقایان داشته باشد .

میدانیم " - همانجا

تاگمد مجدد " شورای عالی " به موضع ما لا که سال گذشته از برنامه رادپوی اقلیت خطاب به کارگر ان کمونیست ، بخش شده است ، بمنزله قبول و تأیید " طرح برنامه " اقلیت می باشد .

ادامه میدهیم " امروز سازمان ما در روند مبارزه طبقاتی جاری و در طول چند سال مبارزه ایدئولوژیک حاد درونی و بیرونی در عرصه های مختلف مبارزه مرزبندهای روشنی با تمامی جریانات خرده بورژوازی و بورژوازی دست یافته است ، بیویولسم و دیدگاههای عموم خلقی را نه تنها نظراً بلکه در عمل نیز پشت سر گذاشته است و ایهامات نظری را در برخورد به اسر پیشبرد مبارزه طبقاتی و اهداف پرولتاریا در انقلاب بکناری نهاده است . " (فقط با دشان رفته بنویسند همه اینها در اثر تلاشهای شبانه روزی " رفیق توکل " میسر گشته است) (فاجعه ۴ بهمن ، ورکتگی و انحطاط یک دیدگاه ۴۰ کار ۱۹۷۰ - ۱۹۸۰)

باز هم در تأیید برنامه و خط مشی سیاسی - تاکتیکی اقلیت گفته اند : " مبارزه امروز پرولتاریا ، نه بر سر این با آن درک از فلان تحلیل تاکتیکی با انحراف برنامه های بلکه بر سر چگونگی حصول برنامه و عملی نمودن این با آن تاکتیک متناظر با برنامه است . " امروز مساله بر سر قطعیت بخشیدن به برنامه در ساختمان تشکیلاتی متناسب با روند تحقق آنست " (همانجا)

در تأیید مواضع انحرافی حاکم بر ریگای گل " اما طعیرم همه اینها آنچه که مهم است ، این واقعیت است که مواضع ریگای گل را نه اینگونه اطلاعیه ها و سر مقاله ریگای گل شماره ۱۸ ، بلکه آن برخوردها و مباحثی تشکیل می داد و میدهد گسه ریگای گل نماینده آنها در جنبش انقلابی خلق کسره بوده و هست . ما بر اساسی ترین سرفصلهای این مواضع تأکید داشته و داریم و روند آتی انتشار ریگای گل پیگیرانه تر از همیشه این مواضع را همچنان دنبال خواهد کرد . " (مبارک باد) (ریگای گل شماره ۲۷ توضیح هیئت تحریریه پیرامون تاخیر این شماره ریگای گل ۳۰۰) (نقل قولهای آورده شده (که به وفور در چند شماره " کار " و " ریگای گل " منتشره از سوی مخالفین باند توکل پیدا میشود) و بیانگر این است که اولاً مخالفین باند حاکم بر اقلیت در اساسی ترین مواضع ایدئولوژیک - سیاسی با باند جنابیت کار توکل متفق القولند . مواضع و خط مشی سیاسی - برنامه ای که همگان میدانند در جریان اقلیت مبتکر و ارائه دهنده اصلی آن نه آقایان " شورای عالی " بلکه همان " مرکزیت انتمایی " و بویژه شخص توکل بوده است .

ثانیاً اختلافات درونی آنان عمدتاً بر روی مسائل تشکیلاتی بوده است و نه آنگونه که خود می گویند بر روی مسائل " سیاسی - تشکیلاتی " و " سیاسی - ایدئولوژیک " . تازه واقعا ماهیت خود اختلافات تشکیلاتی نیز روشن نیست . که البته اگر اختلافات

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضداپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

پیروزی بزرگ شورای ملی مقاومت در عرصه بین‌المللی

همزمان با سومین سالگرد صدور بیانیه صلح و انتشار طرح صلح شورای ملی مقاومت، بیش از ۵۰۰۰ تن از شخصیت‌های بین‌المللی و احزاب و سندیکاها و کارگری و ۱۰۰۰ با امضاء یک بیانیه جهانی و مساعی محکوم کردن سیاست‌های جنگ افروزان رژیم خمینی طرح صلح شورای ملی مقاومت را مورد حمایت قرار داده و از سازمان ملل متحد و کلیه کشورهای عضو آن خواسته‌اند که این طرح را بعنوان مبنایی برای خاتمه جنگ ایران و عراق مورد حمایت قرار دهد. متأسس بیانیه جهانی برای صلح در جنگ ایران و عراق بقسور زیر است:

برای صلح در جنگ ایران و عراق

جنگ ۶ ساله ایران و عراق علیرغم تناهات شدید صلح خواهانه‌ی مردم ایران و کوشش‌های بین‌المللی جهت خاتمه آن، همچنان بوسله‌ی رژیم خمینی بمنظور سرکوب مقاومت سراسری رو به گسترش مردم ایران ادامه دارد. جنگی که تنها در جانب ایران موجب کشته و زخمی شدن بیش از یک میلیون نفر، آوارگی بیش از سه میلیون نفر و سیلیاردها دلار خسارت اقتصادی گردیده است. جنگی که اصرار رژیم خمینی بر ادامه آن بمنظور ایجاد بحران و بی ثباتی در منطقه و در جهت تداوم رژیم رو بزوالش صورت نمیگیرد، نه تنها صلح در منطقه بلکه صلح جهانی را نیز از طریق جنگ افروزی و صدور تروریسم به مخاطره افکنده است.

در این رابطه هرگونه اقدامی در راستای خواست مردم ایران مبنی بر پایان جنگ ایران و عراق نقضش

موتری در خاتمه‌ی این جنگ ویرانگر خواهد داشت. طرح صلح " ۱۳ / مارس / ۱۹۸۳ " (۱) که بوسله آقای سعود رجوی رهبر مقاومت ایران اعلام گردیده تا کنون علاوه بر استقبال شدید مردم ایران، از حمایت بین‌المللی وسیعی منجمله نایب مجمع پارلمانی شورای اروپا (قطعنامه‌ی شماره ۸۴۷ مورخ " ۳۰ - سپتامبر / ۱۹۸۵ ")، (۲) پارلمان اروپا (سند شمارهی ۲۷/۸۵، تاریخ " ۱۱ / ژوئن / ۱۹۸۵ ") (۳) و بیش از ۳۰۰۰ حزب و سازمان و شخصیت سیاسی برخوردار گردیده است. جنگ افروزی رژیم خمینی که ابتیاد ر سومین سالگرد اعلام طرح صلح مزبور با حملی اخیرش در " ۱۰ / فوریه / ۱۹۸۶ " (۴) نمایانگر شد، یکبار دیگر مخالفت رژیم قرون وسطایی خمینی را بسا خواسته‌های مردم ایران و افکار عمومی جهان بسرای پایان هر چه سریعتر جنگ ایران و عراق متجلیسی نموده است.

با این اعتقاد که خاتمه‌ی این جنگ از طریق اعمال فشار بیشتر بر سیاست‌های جنگ طلبانه‌ی رژیم خمینی و حمایت سازمانهای بین‌المللی و عناصر و سازمانات سیاسی از اقدامات برای صلح امکان پذیر است، ضمن اعلام حمایت خود از بیانیه " ۱۳ / مارس " (۵) آقای رجوی مسئول شورای ملی مقاومت و رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران، برای برقراری یک صلح پایدار در جنگ ایران و عراق از سازمان ملل متحد و کلیه کشورهای عضو خواستاریم تا این طرح را بعنوان مبنایی برای خاتمه‌ی جنگ مورد حمایت قرار دهند.

پاروقی: ۱ - ۲۲ / اسفند / ۱۳۶۱، ۲ - ۱۳ / مهر / ۱۳۶۴
۳ - ۲۱ / بهمن / ۱۳۶۴، ۴ - ۲۲ / اسفند

اخبار...

بقیه از صفحه ۲

سایه دردمر خواهد شد بطوریکه در بعضی از مدارس و کارخانجات اقدام به ترعه کشی کرده‌اند ولی از طرف دیگر عراق نیز ساکت ننشسته و با کوبیدن پل‌های ارتباطی جواب این بیسج دشمن را میدهد. آنطوریکه گفته میشود متلاهل قطور را که بمباران نموده و هر بار که بازسازی میشود بلافاصله کوبیده میشود و بسا به تازگی یک هواپیمای ۷۲۷ را که حمل و نقل نظامی انجام میداده در فرودگاه ارومیه بمباران کرده گسه البته تلفات جانی در بر نداشته ولی هواپیمای و محمولات آن بعد از چند بار بمباران بکلی از بیسن رفته. با در مورد هواپیمایی که در اهواز توسط عراق سرتکون شد و خبر آنرا حتما شنیده‌ای. در ایس هواپیما عده‌ای از قضات شرع نیز بودند که برای محاکمه عده‌ای از ارتشبان میرفتند که در عملیات والفجر ۸ ترمز کرده بودند. از این خبرها که بگذریم اخبار مربوط به گرانی است که بهداد میکند و جان مردم را به لب رسانیده. برای مثال بهار کیلویی ۳۵۰ ریال حکم کیمیا را پیدا کرده و یا سیب زمینی کیلویی ۱۴۰ ریال و دیگر مایحتاج ضروری وضعشان به همین صورت است و با کاهش قیمت نفت باید منتظر اوضاع بدتر از این هم بود.

♦♦♦♦

برخی از...

بقیه از صفحه ۱۰

گان همراه او طی درگیری با مزدوران رژیم خمینی ۱۳۵۸/۲/۲۹ - تولد دکتر محمد محقق رهبر فقیه جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران برای ملی شدن نفت خارجی:

- ۲۲ آوریل ۱۸۷۰ - تولد لنین
- ۲۵ آوریل ۱۹۱۵ - قتل عام ۱/۵ میلیون آرامنه توسط دولت فاشیستی ترکیه
- ۲۸ آوریل ۱۹۶۵ - هجوم و تجاوز امپریالیسم امریکا به جمهوری دومینیک
- ۳۰ آوریل ۱۹۷۵ - قح سابقون و پیروزی انقلاب در جنوب ویتنام
- ۳ مه ۱۹۸۶ - آغاز جنبش سه ۶۸ در فرانسه
- ۴ مه ۱۹۲۷ - شروع مبارزه مسلحانه در نیکاراگوئه به رهبری ساندینو
- ۵ مه ۱۹۸۱ - شهادت بابی ساندز از رهبران آزادیخواه جنبش ایرلند پس از ۶۵ روز اعتصاب غذا در زندان
- ۵ مه ۱۸۱۸ - تولد کارل مارکس
- ۷ مه ۱۹۴۵ - پیروزی انقلابیون ویتنام در نبره دین بین فر
- ۸ مه ۱۹۴۵ - شکست فاشیسم هیتلری و پایان جنگ جهانی دوم
- ۱۵ مه ۱۹۲۸ - اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیستها
- ۱۸ مه ۱۹۸۰ - تاسیس جنبه دمکراتیک انقلابی (فاراومارتی) در السالوادور
- ۱۹ مه ۱۸۹۰ - تولد هوشی مین



پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - همکاری خلق‌های ایران

اخبار کوتاه

یک عامل فساد در فردیس تهدید کرج سنگسار شد

کرج - خبرنگار کیهان - حکم سنگسار یک نفر از اعضای کرج به مرگ در محله ...
به گزارش خبرنگار کیهان شخصی نام اسرائیلی هتزاری بهرم زلای محصنه و ایسان باند فضا و تبلیغات فکادی خود به مسل فضا در فردیس کرج به موجب حکم دادگاه انقلاب اسلامی کرج و تسلیت دادگاه عالی شورای عالی قضائی محکوم به سنگسار شد که حکم جائزه در حلال عام در فردیس کرج به مرحله اجرا خواهد شد.

۲ عامل فساد در رجائی شهر کرج سنگسار شدند

رجائی شهر کرج - خبرنگار کیهان - حکم دادگاه انقلاب اسلامی کرج و تأیید شورای عالی قضائی مؤلفر بانهای لیادعی بهرامی ۳۵ ساله و محمد افتخاریان ۳۳ ساله بهرم گترش سنگسار و ایجاد مراکز فساد و فحشا در رجائی شهر کرج سنگسار شدند.

هدی پیش ۲۲ نفر از اعضای یک شبکه افشاء صفا که به تشکیل این گروه از کربور فردیس و رجائی شهر کرج اقدام کرده اند با راهشای مردم این منطقه و توسط مأموران کتبه انقلاب اسلامی کرج سنگسار شدند.

پس از رسیدگی به پرونده های اعضای این باند نرداه گاه انقلاب اسلامی کرج ۶ نفر از متهمین بدست از تأیید شورای عالی قضائی به اعدام و سنگسار محکوم شدند که تاکنون این احکام در حوره سه تن از محکومین مجازا در آمده است.



به گزارش نشریه مجاهد ، در تاریخ ۵ سپمن مـماه گذشته مجاهد خلق حمید رضا رنگویی در اثر شدت شکنجههای وحشیانه دژخیمان خمینی در ماهشهر سه شهادت رسیده است . همچنین مجاهد خلق با نسام کوچک لیلیا حوالی ۱۲ فروردین ماه امسال در زندان شهادت رسیده است .

به گزارش نشریه راه کارگر شماره ۲۳ و ۲۴ - خدیجه ارفع با نام مستعار آزاده از سازمان راه کارگر درسال ۶۲ توسط دژخیمان خمینی اعدام شده است . همچنین مقصود فتحی در مرداد ماه سال ۶۳ در زندان اویسن اعدام شده است .

به گزارش نشریه طوفان ، محمد رضا گشای در آذر ماه گذشته در زندان تبریز اعدام گردیده است .

جهان

حجت الاسلام مقتدای: حکم سنگسار چند تن اعضای عالی قضائی رسید
به فساد می بینان در یکی از شهرتانی محاکمه و حکم مجرم چند نفر از آنها به تأیید شورای عالی قضائی رسید و امیدوار هستیم که اجرای حدود الهی و حتمه که اجرائی بساری تهیه و تاثیر فزاینده افراد افغان شده و بسیاری از اعضای قسد ایسان فضا دارند داشته باشد.

خبرنگاران پاسخ دادند

داشند : دانمارک: در روز اول ماه سه رفقای هوادار سازمان در کپنهاگ پایتخت دانمارک با شرکت در مراسمی که از طرف سندیکاهای کارگری دانمارک در بارک بزرگ شهر برگزار گردید ، با برقراری میز کتاب و نشریات سازمان ، به افشاکری جنایات خمینی و شناساندن خطوط کلی سازمان به نیروهای مترقی در دانمارک مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفتند .

داخلی : تا حال چندین بار فروش اسلحه نظامی آمریکا به ایران افشاء شده است . اینبار نوع معامله آنفسدر و مبع بوده است که در اکثر مطبوعات جهان منعکس شده است . در اوایل اردیبهشت ماه یک شبکه بزرگ قاچاق اسلحه در آمریکا کشف شد . این شبکه پنج معامله مختلف جهت ارسال انواع سلاح ها بالغ بر ۱۷ میلیارد فرانک با رژیم خمینی داشته است .

خارجی : تجاوز نظامی آمریکا به لیبی ، موجی از خشم و انزجار در سراسر جهان برانگیخت . در سراسر اروپا ، آسیا و افریقا ، تظاهرات توده های برای اعتراض به این اقدام تجاوزگرانه دولت امپریالیستی ریگان صورت گرفت . تقریباً تمامی دولتهای عربی این اقدام را بنحوی محکوم نموده و خواستار قطع این تجاوزات از جانب امپریالیسم آمریکا گردیدند . اقدام تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا بخشی از سلسله اقدامات دولت ریگان ، علیه جنبشهای استقلال طلبانه خلقهای سراسر جهان است که روز بروز اوج و گسترش می یابد .

بخشی از یک نامه از ایران
... جنگ و گرامی موضوعهایی نیستند که اینها بتوانند اخبارش را پنهان کنند . بخصوص این روزها که در تنور جنگ آنچنان میدمند که از جهنم گرمتر شده و صهیب آن به هر جا میرسد این بار از تعامسی ادارات و سازمانها و کارخانجات و مراکز آموزشی چه بصورت داوطلب و با غیر داوطلب اعزام کرده اند مثلا این هفته از دانشگاه علم و صنعت ۷۰۰ دانشجوی و ۳۰ استاد ، البته ظاهرا برای کارهای پشت جبهه اعزام شده اند که ۰۰۰۰ نیز با آنکه دستش هنوز کاملاً خوب نشده اعزام گردیده . دانشگاهها بیشتران به حال نیمه تعطیل در آمده اند و این وضع فعلاً تا ۶ ماه ادامه خواهد داشت وضع طوری شده که کم کم رفتن به جبهه گرمیان همه را خواهد گرفت . زیرا طرح لیبیک یا امام است و نرفتن به جبهه بتدریج طرح لیبیک یا امام است و نرفتن به جبهه بتدریج

بمناسبت اول ماه سه روز جهانی کارگر رفقای هوادار سازمان در کشورهای مختلف جهان با شرکت در تظاهرات کارگری که توسط اتحادیهها و سندیکاهای بزرگ اروپایی برگزار گردید ، ضمن پخش تراکت و اعلامیه به زمانهای مختلف این روز را گرامی داشتند در زیر به تعدادی از این گزارشها که تا کنون بدست ما رسیده اشاره میکنیم :
اسپانیا : رفقای هوادار سازمان در مادرید ضمن پخش اعلامیه ای بزبان اسپانیولی در بین شرکت کنندگان نسبت به جنایات رژیم خمینی و دشمنی آشکار وی با کارگران ایران افشاکری کرده و بدین ترتیب توجه افکار عمومی را نسبت به این جنایات جلب نمودند .
آلمان : رفقای هوادار سازمان در شهرهای کلن و بسن ضمن شرکت در تظاهرات کارگری و پخش تراکتیهای زبان آلمانی و فارسی در بین شرکت کنندگان خارجی و هسوطنان مقیم این شهرها ، این روز را گرامی



تظاهرات توده های علیه تجاوز آمریکا به لیبی در لندن - عکس از هفته نامه تایم

نابود باد امپریالیسم جهانی بسزکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

گزارشی از ...

بقیه از صفحه ۱

از این رو لاهی تیر اعتراض خود را متوجه این رژیم کرده‌اند. تظاهرات مختلف در شهرهای کوچک و بزرگ هر یک نمودی از آگاهی توده‌ها و ذهنیت انقلابی آنان را به نمایش گذارد. پیش از این امتصاب کارگران قهرمان دوب آهن و نیز تصویب بودجه سال ۶۴ با کسر بودجه‌ای هنگفت و عدم امکان فروش هر چه بیشتر نفت که دلایل مختلف بین‌المللی و نظامی دارد، رژیم جمهوری اسلامی را در بحران فرو برده که سنگبری سرمایه‌داری وابسته از سوی این رژیم قلم با بوجود آوردن فقر و فلاکت و افلاس توده‌ها آنرا زمینه سازی کرده بود و از این رو در آغاز سال ۶۴ مخالفت مردم و ناراضیانی آنان از وضع موجود تحولی نوین یافته و در اشکال متعدد ظهور مینمود. خفقان و اعمال دیکتاتوری که در سال ۶۰ امکان اظهار هر گونه مخالفتی حتی ملایم را هم از مردم عادی سلب کرده بود در روند رو به اضمحلال خود و در سال ۶۳ و ۶۴ عملا هراسی در توده‌ها بوجود نیاورد و سدی بر اعلام ناراضیانی آنان بصورت علنی نبود و بر همین بنسب تظاهرات مردم مشهد در ۵ اردیبهشت ۶۴ شکل گرفت و نمود یافت. در ۴ اردیبهشت بنیال درگسری پاسداران با عده‌ای از جوانها، یورش گسترده ای در همانروز به مردم سازمان داده میشود و عده‌ای دستگیر و روانه زندان میشوند. عصر ۵ اردیبهشت در اعتراض به این اقدام و دیگر حرکات سرکوبگرانه رژیم با تجمع اولیه محدودی تظاهرات آغاز میشود. جمعیت گسه از خیابان احمد آباد به سمت میدان شریعتی (نقی آباد) حرکت میکنند با استقبال وسیع مردم مواجه شدند. بنحوی که در اندک مدتی تظاهرات چند هزار نفر شد. و در این زمان و هنگامی که جمعیت بسه مقابل بیمارستان قائم رسید، شعارها که پیش از آن شخص خمینی و نظام جمهوری اسلامی را مستقیمآ مورد حمله قرار نمیداد، از قالب محتاط خویش بیرون آمده و شعار مرکز بر خمینی فضای خیابان را پر کرد. مردم که از شور انقلابی سر از پا نمی‌شناختند با شعارهایی چون مرکز بر نیکتاتور، صلح، صلح آزادی، ما سیکار تیر نمیخواهیم، ما رهبر پیروز نمیخواهیم به حرکت خروشان خود ادامه دادند. لازم به تذکر است که در انتهای بلوار فرزانفر که بسه خیابان احمد آباد منتهی میشود، گشت کمیته گسه گویا از تظاهرات اطلاعی نداشت به سمت جمعیت حرکت کرد، اما هنگامی که متوجه شد شعارها علیه رژیم میباشد به سرعت دور زده و فرار کرد. جمعیت هنگامی که به میدان شریعتی (نقی آباد) رسید، با یک ماشین نیسان پاترول سپاه مواجه شد که چهار نفر سرنشین مزبور آن پیاده شد و به خیال خود قصد داشتند جمعیت را متفرق کنند. پس از چند ثانیه ای که در حرکت مردم وقفه افتاد، مردم قهرمان با فریاد بسبت پاسداران چنایتکار خمینی حمله کردند بنحوی که آنان فرصت هر گونه عکس‌العملی را از دست دادند پاسداران در اولین دقایق خلع سلاح شدند و سپس در زیر مشت و لگد و کینه انقلابی مردم که هر دم فزونی

میکرفت، قرار گرفتند. صحنه‌ای که مردم خلق گسره بودند تکرار آینه نمای یورش به ساواکهای شاه در سال ۵۷ بود که آنان نیز نتوانستند از خشم مردم جان سالم بدر برند. در اثنای این حرکت انقلابی، پاسداران راهمایی و رانندگی که در پاسگاهی در یک طرف همین میدان مستقر شدند با پا در میانی موفق شدند مزدوران خمینی را از مرگ حتمی نجات دهند و جمعیت ماشین پاسداران را مورد تهاجم انقلابی قرار داد و آنرا سختی تخریب کرد. هدف بعدی مردم باین آوردن عکس جلا جماران و ولیمهد دلفگشت منتظری از روی ستون داخل میدان بود، که با تمام تلاش خود بدلیل دور از دسترس بودن آن موفق نشدند. اما با پرتاب سنگ و چوب بسبت عکسهای آنسان قسمتی از عکسها را تخریب نمودند. مزدوران رژیم خمینی که در برابر این حرکت غافلگیر شده بودند به مرور دست به سازماندهی زده و تعدادی از عناصر فالانژ و جماق بدست خود را با ۲ اتوبوس شرکت واحد و چند مینی بوس به محل آوردند. از آنجایی که رژیم برای اقدام نظامی در این مورد هیچگونه آمادگی نداشت و نیز آنرا به صلاح خویش نمی‌دید و اقدامات پراکنده آنان نیز شکست خورده بود، برای اینگسه ضعف خویش را در برابر تظاهرات مردم پیشانند و تأیید سازه که هیچگونه اقدامی به عمل نیآوردند و حرکت این مزدوران هم خود بخودی بوده است. آنان را در اواسط خیابان پاشگاه پیاده کرده و آنها از این مکان بسبت میدان شریعتی (نقی آباد) حرکت کردند. اما وجود اتوبوسهای خالی در اطراف میدان و چند مینی بوس در خیابانهای فرعی دانشگاه نشان دهنده این بود که رژیم با شتابزدگی تعدادی را که از نظر عملکرد هم نامجناس بودند، سازمان داده است و مردم این عناصر موجب پراکنده شدن جمعیت گشت و مردم از کوچه و خیابانهای فرعی از منطقه دور شدند در این هنگام بود که ماورین ساواک خمینی و اطلاعات کمیته و سپاه با ماشینهای معمولی و پلاک سفید به گشت زنی پرداختند و عده‌ای را نیز دستگیر نمودند. حزب‌اللهی‌ها هم مانوری داده و با چند شعار بر علیه بی‌حجابی متفرق شدند. اما دستگیرها همچنان در سطح شهر ادامه داشت. صبح روز بعد خبر تظاهرات به نحو وسیعی در شهر پیچیده بود و در هر مکانی که چند نفر حضور داشتند، از آن صحبت کرده و جریان وقایع را با شایع و برگزیده می‌نمودند و به هم وعده همانروز را میدادند که باز هم دراحمد آباد تظاهرات است و ساعت ۷ همه بیایند. متشاه این خبر یعنی اعلامیانه که ساعت ۷ روز ۶ اردیبهشت تظاهرات دیگری انجام خواهد شد، بدستی مشخص نگشت. اما پیچیدن آن در سطح شهر حتی بصورت شایعه نیز مردم را در عصر همانروز یعنی ۶ اردیبهشت به خیابان احمد آباد کشاند و رژیم نیز اینبار مجهزتر وارد صحنه شد. قبل از ساعت ۷ عده‌ای از مردم جمع شده بودند، اما شعاری عنوان نمیشد. تا ساعت ۷ خیابان احمد آباد از ابتدای سی متری دوم تا ابتدای سی متری اول و قسمتی از خود خیابان مذکور از جمعیت پر شده بود. اما هیچگونه حرکتی

مشاهده نمیشد. مردم در دسته‌های چند نفری مشغول گفتگو از وضع موجود و تظاهرات شب گذشته بودند و عده‌ای نیز بلا تکلیف منتظر مانده تا شاید خبری بشود. حزب‌اللهی‌ها هم کم کم می‌آمدند. آنان در مقابل پاساژ قسطنطنیه اجتماع کرده و قطعنامه‌ای علیه بی‌حجابی قرائت نمودند. تعداد آنها نیز به صد نفر میرسید. آمبولانسهایی هم مرتسب در اطراف گشت میزدند و هر بار نیز عده‌ای از مردم را که اجتماع کرده بودند دستگیر و به آنجا منتقل مینمودند. با حرکت فالانژهای حزب‌اللهی بسبت میدان شریعتی جمعیت حاضر در خیابان نیز بتدریج متفرق شدند. زیرا که سوج دستگیرها هر دم فزونی میگرفت و عملا تیر حرکتی مشاهده نمیشد. روز بعد رژیم تبلیغات گسره‌ای را در مورد این تظاهرات آغاز کرد. محور این تبلیغات منتسب کردن آن به پانگرا و "بی‌حجابی" بود. بین مردم در این مورد بحثهای زیادی در میگرفت و بطور کلی آگاهی مردم بسیار فراتر از آن چیزی بود که رژیم تصور مینمود. عصر ۷ اردیبهشت بخوبی حضور عناصر اطلاعاتی و حفاظتی رژیم در خیابان احمد آباد حس میشد آنان بر سر خیابانهای فرعی ایستاده بودند و صحبتی عده‌ای از گشتیهای رژیم که با خادسازی حرکت میکردند، با موتور، دوچرخه و ماشین‌هایشان را تحت کنترل گرفته بودند. با وجود این حضور سنگین امکان تجمع مردم کمتر شده بود و کمتر کسی این نکته را حدس میزد. اما با حرکت بخشهای مختلفی از مردم که از نقاط مختلف شهر بسوی احمد آباد حرکت میکردند، عملا تجسمی بوجود آمد که مانند شبهای قبل تصور و مرور ماشینها را مختل کرده و خیابان را محدود نموده بود. بسیاری از مردم با حضور خود قصد آنرا داشتند که صحت یا کذب تبلیغات رژیم را به عینه ببینند. حضور سیستماتیک نیروهای سرکوبگر رژیم هنگامی برای مردم مشخص شد که دریافتند عده‌ای با لباس معمولی و در بین آنها فعالیسن را شناسایی کرده و ناگهان بر آنها یورش برده و بسه ماشین سپاه انتقال میدهند. در یک مورد هنگامی که تعدادی از این مزدوران قصد داشتند جوانی را بسور بدخل نیسان پاترول سپاه بیاورند با مقاومت وی روبرو شدند که فریاد میکشید و به آنها اعتراض میکرد. مردم به طرف ماشین مذکور دویدند و افرادی که داخل آن نشسته بودند با دیدن یورش مردم فرار کردند. بلافاصله پس از این حرکت عده‌ای حدود ۲۰ نفر که در سه ستون حرکت میکردند از طرف میدان مسلح آباد (فلسطین) بصورت رژه مانند پا کوبان و باشعار "مناقض در بدرت می‌کنیم، مناقض بی بدرت می‌کنیم" بسبت جمعیت حرکت کردند و به باری آن عده فوق‌الذکر پرداختند. دستگیری بصورت گسره‌ای ادامه داشت و به همین علت نیز مردم بسور از منطقه خارج شدند و بدینصورت تظاهرات و تجمع چندروز مردم مشهد خاتمه یافت. اما نقطه آغازی شد بسر حرکتیهای گسره آینده که با تجربه‌ای هر چه بیشتر در کارزار قطعی و سرنوشت ساز نقش تعیین کنند ه

بقیه در صفحه ۶

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

گزارشی از ...

بقیه از صفحه ۵

خواهد داشت .

تجرباتی از تظاهرات ۵ اردیبهشت

حرکات رژیم در مقابله با مردم : رژیم از ابتدای شروع این حرکت سردی به در صورت به مقابله با آن پرداخت . ۱۰ - فعالیت تبلیغاتی ۲ - حرکت سرکوب گرانه . این دو شیوه کل اقدامات رژیم را در طول سه شب و در مورد فعالیت تبلیغاتی مدتی بیشتر در بر گرفت .

۱ - فعالیت تبلیغاتی : رژیم بنا بر ماهیت طبقاتی خود مرگ محتموم و گریز ناپذیر خوش را در مبارزه زحمتکشان میبندد و عمیقا ترک کرده است که بقای رشته‌های نازکی که حیانت را در لایه پرتگاه سقوط حفظ میکنند ، در گرو دور نگهداشتن این طبقات از ستیز و آگاهی طبقاتی میباشد و از این رو تبلیغ محوری رسانه‌های گروهی رژیم چه در بعد محلی و چه سراسری نسبت دادن تظاهرات به طبقات مرفه و دارا بود . امری که حرکت تبلیغی رژیم را برای جدا انداختن تبلیغاتش ساده‌تر میکرد ، محل تجمع مردم یعنی خیابان احمد آباد بود که در دیدگاه کلی مردم منطقه‌ای مرفه‌ترین محسوب میشود و ارگانهای تبلیغاتی رژیم نیز دقیقا با اطلاع از این موضوع و حساسیت زحمتکشان شهر به این منطقه به خیال خود چشم استعدیاد تظاهرات را یافته بودند و بیدریغ بر آن تیرها میگردند . از جمله علت تظاهرات را در خواست برای بی حجابی و آزادی غریبی ! از سوی شرکت کنندگان عنوان مینمودند . و در همین رابطه هم برای انحراف افکار عمومی با ساز قسطنطنیه (یکی از مراکز خرید طبقات مرفه) را تعطیل و بر در آتیم پارچه‌ای مبنی بر عدم رعایت حجاب در این محل نصب نمودند و همچنین فالترهایی که به منطق کسپل شده بودند در شب اول شعارهایی علیه بی حجابی میدادند . روزنامه خراسان ارگان محلی رژیم نیز تظاهر کنندگان را " مشتکی بانک و سوسول دمکرات " خواند و بطور کلی همانطور که گفته شد تمام دستگاههای تبلیغاتی نیروی خود را در جهت مخدوش نمودن چهره اصلی تظاهرات به کار میبردند ، اما در عمل اقدامات گسترده رژیم با شکست روبرو شد چرا که ادامه حرکت بصورت سه شب متوالی فرصت بنظیری را برای مردم بوجود آورد تا یکبار دیگر و اینبار در زمانی کوتاه ، به عینت ، دروغین بودن تبلیغات رژیم را ببینند . بخش خبر تظاهرات در سطح شهر و بدنبال آن عکس العمل رژیم ، گروههای زیاده از افشار مختلف مردم و بویژه زحمتکشان شهر را به محل تظاهرات کشانید و در آنجا برای آنها بی کسوفه موضع تظاهرات مشخص نبود ، واقعیتها روشن شد . زیرا که از تنها گروه و با دسته‌ای که در منطقه آثاری نبود ، بانکهای بودند که رژیم تظاهرات را به آنان منتسب میکرد و در عوض چهره‌های مهم و گونه‌های گاویده شده فراوان بچشم می‌خورد . حضور مردم و بدنبال آن گسترش اخبار که اینبار از کانسال تبلیغات توده‌ای بخش میشد هر چه بیشتر رژیم را در مقصود خویش ناکام و بی اعتباری ارگانهای فریب و

دروغ را تا در حد رسایی رسانید . علت دیگری که برای عدم موفقیت رژیم در عرصه تبلیغاتی میتوان ذکر کرد ناهماهنگی میان ارگانهای مختلف سرکوب بود . زیرا هنگامیکه تاکنیک رژیم مخدوش جلوه دادن تظاهرات و وابسته کردن آن به بانکها و بی حجابها بود ، منطقی‌ترین حرکت این بود که اگر عسدهای از مزدوران بعنوان " است حزب الله " برای صحنه آرایشی هر چه بیشتر تظاهراتی کرده و قطعنامه‌های صادر کنند در همین رابطه باشد و حال آنکه عناصر فالتر متشکل شده از سوی سپاه پاسداران خمینی و سازمان اطلاعات که از شب دوم وارد صحنه شدند در تمام شعارهای خود و همچنین در مواردی از قطعنامه علیه " منافقین ضد انقلاب " بقیه درانی میگردند و به تنها چیزی که اشاره نمیکردند بی حجابی و بی حجابها بود . همین حرکت به خودی خود نتایج احتمالی دستگاره تبلیغاتی را خنثی کرد و به مردم نشان داد که لایه تیز حمله رژیم متوجه نیروهای انقلاب است و در رابطه با تظاهرات پنج اردیبهشت به این نیروها حمله میشود . و اگر روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون معرکهای بی حجابی را گرفته‌اند برای دور نگهداشتن آنها از شرکت در اینگونه حرکات است . جالب اینجاست که معاون کمیته‌های استان خراسان ، رضایی خاشن در مصاحبه‌ای با روزنامه محلی خراسان چند روز پس از تظاهرات در جواب سوال خبرنگار که پرسیده بود : عده زیادی از خانواده‌هایی که فرزندان آنها دستگیر شده‌اند به ما تلفن کردند و با ما اینجا آمده‌اند (بخوان در محل داده‌سرای انقلاب رژیم جمع کرده‌اند) و خواستار آزادی آنها شده‌اند و چه زمانی این عده آزاد میشوند ؟ می‌گوید : عده دستگیر شدگان ، بیشتر است که يك عده از آنها سابقه فعالیت ضد انقلابی داشته‌اند که بررسی پرونده آنها ادامه دارد و عده دیگر نیز که وابستگی ندارند بزودی آزاد خواهند شد . اعلام این گفته از سوی يك مقام رسمی رژیم خمینی خود گواهی دیگری بر رد تمام ادعاهای قبلی آنان و اثبات شرکت نیروهای انقلابی و توده‌های روح کشیده و بستوه آمده در تظاهرات ۵ اردیبهشت است .

۲ - حرکت سرکوبگرانه : اولین اقدام رژیم بلافاصله پس از تظاهرات بستن خیابانهای منشعب به آن از سوی شهرتانی بود . مامورین شهرتانی هیچگونه اقدامی جز بستن خیابان بعمل نیاوردند . حرکت بعدی اعزام چهار پاسدار بود که با مقابله مردم خنثی شد و در آخرین مرحله نیروهای مزدور فالتر با اتوبوس و مینی بوس به منطقه آورده شدند . عده‌ای از آنان شعار میدادند و عده‌ای دیگر بصورت پراکنده در اطراف میدان شریعتی (تقی آباد) ایستاده بودند ، در همین زمان هم گشتهای رژیم در پوشش ماشین‌های سواری معمولی با پلاک‌های معمولی که عمدا طوری نصب شده بود که زیر گلگیر قرار گرفته و نام مشخص مینمود ، در دسته‌های ۲ یا ۴ نفری در خیابانها به راه افتاده بودند و تعداد زیادی از دستگیریها هم توسط این عناصر انجام شد که هدف مشخصی را دنبال مینمودند و مشکوکها را دستگیر میکردند . در شب بعد نیروی رژیم را بطور کلی حزب‌اللهی‌ها نمایندگی

میکردند . آنها ابتدا در میدان شهید مقابل ساختمان شهرداری جمع شدند و بعد هم با وانت و موتور و عده‌ای هم پیاده بسمت احمد آباد راه افتادند . تاکنیک رژیم عکس‌العمل کودکانه‌ای بود که هیچگونه تیزی نداشت . در محل تجمع مردم چند آمبولانس مینی بوس هم حضور داشتند که ابتدا از خیابان سی متری اول داخل احمد آباد شده و بعد هم تعدادی از دستگیرشدگان به آنجا منتقل میشدند . حدود ۳ یا ۴ نسان پاترول سپاه و کمیته هم در داخل همین خیابان متوقف بودند با سرنشینان مسلح که البته حرکتی نکردند . در شب بعد رژیم تمام نیرو و امکانات خود را گرد آورده بود تا حساب شده ! با مردم برخورد کند . از عصر همانروز سرتاسر خیابان احمد آباد زیر نفوذ عناصر سپاه و کمیته قرار گرفت . عده‌ای پیاده در انتهای خیابانهای منشعب به احمد آباد قدم میزدند . تعدادی موتور سوار با موتور سیکل‌های مختلف و دو نفری حرکت میکردند و خیابان و کوچه‌های اطراف را زیر نظر داشتند . گشتهای پاترول بندرت در خیابان حضور میافتند . ماشینهای سواری پلاک سفید متعلق به سازمان اطلاعات و اطلاعات سپاه مرتب گشت میزدند که در چند تا از ماشینها معدود عناصر خاشکی که تنها منطبق شلاق می‌نهند و به " تواین " معروف هستند هم حضور داشتند که وظیفه آنها شناسایی افراد انقلابی و یا زندانیان سابق بود . در ظهر همانروز يك اتوبوس تعدادی از مزدوران رژیم را از نقطه نامعلومی به اطلاعات سپاه واقع در ساواک سابق (میدان فلسطین) انتقال داده بود . و بطور کلی رژیم قصد داشت با قدرت نمایی خود توده‌ها را از مبارزه رویگردان کند . اما در صحنه عمل مشخص شد که تا چه حد ضعیف میباشد . تعدادی از عناصر اطلاعاتی رژیم حدودا ۱۵ نفر در میان تجمع کنندگان حضور داشتند و تاکنیک آنها این بود که فعالین را شناسایی کرده و به وی حمله میبردند و با استفاده از بوسیم يك ماشین نسان پاترول را مطلع نموده و سریع فرد با افراد دستگیر شده را به ماشین منتقل مینمودند . نیروهای ذخیره‌ای هم حضور داشتند که بلافاصله پس از حمله مردم به يك نسان پاترول از بالای میدان فلسطین حضور یافتند و به آن عده دستگیر شده‌ها کمک کردند .

اطلاعیه ...

بقیه از صفحه ۲

محل اعضاء سازمانها و شخصیتهای عمر شورا :
 * استادان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی کشور
 * جبهه دمکراتیک ملی ایران - هدایت الله متین
 * دفترى * جمعیت دفاع از دمکراسی و استقلال ایران
 (داد) - جلال گنجی * سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - پیرو برنامه هویت) - مهدی سامع * سازمان مجاهدین خلق ایران - مهدی ابریشمی * کانسون
 توحیدی اصناف - ابراهیم مازندرانی * اصغر ادیبی
 * سروش البرز * کاظم باقر زاده * حمید زیرکباش
 * هادی سبانی * منوچهر هزارخانی و يك امضای دیگر که بدلیل امنیتی ذکر نمیشود .

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

مطبوعات خارجی

راهگشایی دیپلماتیک
شوروی در منطقه خلیج

توضیح: تلاش‌های دیپلماتیک اتحاد شوروی برای خنثی کردن سیاست‌های ماجراجویانه ریگان، ایمن‌ساز و بیعتی‌پیدا کرده، بخوبی که مطبوعات غرب با نگرانی خود را از این امر بارها اعلام نموده‌اند. نمونه زیر یکی از اینگونه اظهار نظرات - همراه با نگرانی است که از آمریکا می‌خواهد تا " اشتباهات " خود را بررسی کند. برای آشنایی خوانندگان نرسیده خلق مباردت به چاپ کامل مقاله لوموند دیپلماتیک می‌کنیم.

نویسنده: اولیویر دالاج

منبع: لوموند دیپلماتیک

تاریخ: نوامبر ۱۹۸۵

بنیال گشایش سفارت شوروی در عمان این سوال مطرح است که کشور بعدی کدام خواهد بود؟ بحرین، امارات متحد عربی و یا حتی عربستان سعودی؟ در هر حال بنیانه مشترک شوروی - عمان به تاریخ ۲۸ سپتامبر گذشته در مورد برقراری روابط دیپلماتیک میان مسقط و مسکو شگفتی عظیمی را موجب گشت. مذاکرات مربوط به این تصمیم در ۲۱ سپتامبر در نیویورک در محل دیدار آقای ادوارد چوارزنایه وزیر امور خارجه شوروی با همتای عمانیش آقای یوسف علوی صورت پذیرفت. در واشنگتن یکی از مقامات وزارت کشور تنها به بیان این نکته بسنده داشت: " غیر منتظره بود "

البته از چند ماه پیش این شایعه جاری بود که بزودی سفارت‌های شوروی در کشورهای خلیج گشوده خواهند شد. تا آن هنگام از میان کش کشور عضو شورای همکاری خلیج تنها کویت به برقراری روابط دیپلماتیک با شوروی مبادرت ورزیده بود. در همین رابطه در مسکو جلسه‌ای با حضور سفیر شوروی در خاورمیانه در تابستان گذشته برگزار گردید. در میان کشورهای این منطقه عمان پیش از سایرین جانمندی خویش را از غرب باز میداشت. این کشور در ژوئن ۱۹۸۰ یک عهد نامه نظامی با آمریکا را به امضاء رسانید که عملاً عمان را به نقطه اتکایی برای نیروهای واکنش سریع آمریکا بدل میساخت. در عوض ایالات متحده نیز هزینه مدرنیزه کردن تسلیحات ارتش عمان، بخصوص در جزیره مسیره و فرودگاه سب را تقبل نموده بود. از سال ۱۹۸۱ به اینسو عمان همواره در کنار مصر، سوئدان و سومالی در مانورهای نظامی " برایت استار " شرکت داشته است. خلاصه آنکه از نظر مسکو سلطان قابوس به تمام معنی یکی از " نوکران سر سپرده " آمریکا به حساب می‌آید. از سوی دیگر شوروی در آغاز دهه هفتاد از حضور مارکیستی ناحیه ظفار حمایت نمود و اخیراً نیز در گریبایی مرزی با یمن جنوبی که اصلی‌ترین متحد شوروی در منطقه محسوب میگردد به وقوع پیوست. تمامی این رویدادها کافی بودند برای آنکه بدبینی

عمیق رهبران عمان را نسبت به شوروی برانگیزد. اما به نگاه ورق برگشت و آقای علوی اسلام داشت: " از دو سال پیش قصد اتخاذ این تصمیم را داشتیم و بر این عقیده ایم که این امر در تحکیم ثبات منطقه نقش موثری خواهد داشت. از دو سال پیش شاهد آن بودیم که شوروی تغییر رویه داده و خواهان ثبات در منطقه خلیج می‌باشد. " جای تردید نیست که در مسقط، مسالمت جویی اخیر یمن جنوبی را ناسی از رهنمودهای کرملین میدانند. در اکتبر ۱۹۸۳، عدن و مسقط دست به مبادله سفیر زدند. پس از دو سال ارزیابی و آزمون عمان به حسن نیت شوروی باور آورد.

گر چه برقراری روابط دیپلماتیک برای هر دو طرف منافعی را در بر دارد لیکن در این میان طالب اصلی شوروی است. پس از آنکه در اثر تلاش‌های آقای کیسینجر دست شوروی از خاورمیانه کوتاه گردید. از آغاز دهه هشتاد دولت این کشور کوشید تا بر این کمبود فائق آید. این امر بخصوص پس از بر سر کار آمدن آندره یف و پس از آنکه یک آذربایجانسی عرب زبان، آقای حیدر علی یف به عضویت دفتر سیاسی حزب کمونیست این کشور در آمده محسوس گردید. شوروی که بجز یمن جنوبی که در جهان عرب دارای وزنه چندانی نیست و سوریه که بیشتر خودسری می‌گردد تا هم آوازی، متحدی در خاورمیانه نداشت به امضاء یک میثاق همکاری با یمن شمالی مبادرت ورزید و در همانحال کوشید تا روابطش را با رژیمهای میانه رو عرب نظیر رژیم ملک حسین تقویت بخشد، البته در این میان سلطان نشین های خلیج فارس نیز از دیدگاه او مخفی نمانند.

رهبران کرملین برای اتخاذ سیاست هایشان در منطقه خاورمیانه نیازی حیاتی به اخبار و اطلاعات دست اول دارند (در حال حاضر این کشور بجز سفارتخانه‌هایشان در کویت و عدن و صنعا مرکز دیگری برای کسب خبر در شبه جزیره عربستان را فاقد است). دیپلمات‌های شوروی در این کشورها هرگز موفق به اخذ ویزا برای سفر به کشورهای همسایه را نمیشدند و برای تکمیل اطلاعاتشان ناچار بودند تا به ترجمه مطالب منتشر شده در مطبوعات غربی و یا اظهارات مسافران در میهمانیهای دیپلماتیک بسنده دارند.

در اوت ۱۹۸۵ برای نخستین بار بحرین درهایش را بر روی یک مقام شوروی یعنی آقای راوکنی گورول کوف نایب رئیس سازمان جهانگردی شوروی گشود. این دیدار به وزیر اطلاعات بحرین، آقای طارق الموسد این امکان را داد تا ساله همکاری میان " دو کشور دوست " را مطرح سازد. این عبارت در جای خود تازگی داشت. هر چند که کمی قبلتر، نخست وزیر بحرین، شیخ خلیفه ابن سلام الخلیفه، در مصاحبه‌ای که در روزنامه " اخبار الخلیج " به تاریخ ۲۸ ژوئیه همان سال منتشر گردید، اظهار داشته بود: " شوروی در مسایل بین المللی دارای وزنه حائز اهمیتی است ما باید به ارزیابی دوباره روابطمان با برخی کشورها و از آنجمله اتحاد جماهیر شوروی مبادرت ورزیم. اگر دریافتیم که برقراری روابط دیپلماتیک با شوروی نتایج مثبتی را در بر دارد بی هیچ تاخیر دست بسنه اقدامات ضروری در این جهت خواهیم زد "

این امر که کشوری به کوچکی بحرین، اتحاد جماهیر شوروی را بعنوان یک ابر قدرت به رسمیت بشناسد فی‌الفسه چیزی جز توفیح واضحات نیست لیکن این عمل بیانگر این نکته میباشد که در طی دهه گذشته شرایط عمیقاً تحول یافته‌اند. دهسال پیش کرملین از سازمانهای ایورسیون جیب و جیب اراضی در کشورهای خلیج حمایت میکرد. جنبش‌های انقلابی نظیر " جنبه سردی آزادیبخش خلیج عربی تحت اشغال " و یا " جنبه آزادیبخش ملی بحرین " که هدف آشکارشان واژگون ساختن سلسله‌های حاکم بر شبه جزیره بود. در سال ۱۹۸۵، قشایا به گونه دیگری هستند. در شماره ماه فوریه " نشریه جدید بین المللی " مقاله‌ای به قلم یوسف الحسن " عضو کمیته رهبری جنبه آزادیبخش بحرین " به چاپ رسید گذشته از آنکه این مقاله بی‌اندازه حساب شده و محتاط است و نویسنده حملات خود را تنها متوجه امپریالیسم آمریکا نموده و امیران منطقه از حملات او در امان مانده‌اند بلکه هیئت تحریریه نشریه مذکور نیز در بالای مقاله نکر نموده‌اند که متن چاپ شده فقط " بیانگر مواضع جنبه آزادیبخش ملی بحرین " میباشد و لایبر. به بیان دیگر، مسکو به هیچ قیمتی نمی‌خواهد که در عادی شدن روابط با رژیمهای حاکم خلیج رخ دهد. در آغاز تابستان ۸۵، کرملین بعنوان راهگشا، آقای ایگور بلاژن روزنامه نگار متخصص امور خاورمیانه که تسلط تحسین برانگیزی به زبان عربی دارد را به امارات متحده عربی اعزام داشت. بنیال ابن سفر، کمیایی هواپیمایی شوروی " ایر فلوت " اجازه گشایش دفتری در ابوظبی را یافت.

" دیپلماسی فوتبال "

اما ناظران بین المللی بر این باورند که عمان و بحرین هرگز اقدام به عادی ساختن روابطشان با شوروی نمی‌کنند. اگر قبلاً از عربستان سعودی چراغ سبز نگرفته بودند. چرا که خواست باطنی شوروی و در عین حال نگرانی آمریکا - برقراری روابط با عربستان سعودی است. این امر بمنزله رجعتی بس گذشته میباشد، زیرا این سعود نخستین رهبر عربی بود که اتحاد جماهیر شوروی را به رسمیت شناخت و این کشور در سال ۱۹۲۲ یک دفتر نمایندگی در جده گشود. روابط شوروی و عربستان سعودی در سال ۱۹۳۹ بنیال اختلافاتی اقتصادی و نه سیاسی سردی گرایید. پس از پایان گرفتن روابط دیپلماتیک میان مسکو و ریاض، دولت سعودی اعلام داشت که این کشور که اماکن مقدس اسلامی را در خود جای داده نمیتواند بپذیرد که پرچم کفر در سرزمینش به اهتزاز در آید. البته شوروی‌ها در سال ۱۹۲۲ همانقدر کافر و کمونیست بودند که پس از جنگ دوم جهانی.

با اینحال در طی چهار یا پنج سال گذشته نشانه‌های فراوانی خبر از بهبود روابط میدهند: بنیال ترمیمی کوتاه در ماه اوت سال ۱۹۸۱ کرملین زبان به ستایش طرح صلح شاهزاده فهد، که در آن هنگام ولیمید بود گشود. در سال ۱۹۸۲ یونس فهد در برابر دانشجویان دانشکده نفت جهران چنین گفت: " ما موضعی خصمانه در قبال کشورهای بلوک شرق نداریم، بلکه بر عکس برای تمامی کشورهایی که عربستان سعودی را محترم بدارند، احترام قائلیم و آماده‌ایم تا در بقیه در صفحه ۸

مطبوعات خارجی

بقیه از صفحه ۷

فقدان روابط دیپلماتیک با آنها ارتباطات دوستانه ای داشته باشیم ."

این حرکت تدریجاً شتابنده شد : پس از آنکه اسالات منحنه در فروش موشکهای استینگر به عربستان سعودی تردید بخرچ داد ، شاهزاده بنهر ابن سلطان سر وزیر دفاع و سفیر این کشور در واشنگتن دولت آمریکا را تهدید نمود که سلاحهای مورد نیاز کشور متبوعش را از شوروی خواهند خرید و سفیر شوروی در واشنگتن را به شام دعوت کرد . از سال ۱۹۸۲ عربستان سعودی اجازه داد تا سلاحهای ساخت شوروی مسرود نیاز عراق از طریق این کشور و از بندر جمیل ارسال گردند . برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳ ، پس از آنکه لروث نفت خام ایران به شوروی گاهش بافت ، این کشور به خرید نفت از عربستان سعودی مسادرت ورزید . در حال حاضر عربستان سعودی دومین تامین کننده نفت شوروی میباشد و روابط اقتصادی میان دو کشور در طی سه سال گذشته افزایش خیره کننده ای یافته اند . در طی چند سال اخیر مرتباً بمناسبت جشنهای ملی دو کشور پیامهای تهلیت میان شوروی و عربستان سعودی رد و بدل میشوند . پیام تبریک آقای آندره گرو میکو بتاريخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۵ در این رابطه بسیار گویاست : در این پیام رهبران شوروی " احساسات صمیمانه خود را به پادشاه سعودی عرضه داشته و ابراز امیدواری نموده اند که ملت عربستان سعودی در روند تحولی مستقل به موفقیتهای چشمگیری نایل آید . " آخرین اقدام که بیشک کم اهمیتترین اقدام بشمار نمی آید ، سفر تیم فوتبال عربستان سعودی در ماه اوت گذشته به مسکو است . در این سفر یکی از سران پادشاه سعودی ، شاهزاده فیعل بن فهد نیز تیم فوتبال کشورش را همراهی میکرد . وی از این موقعیت استفاده نمود و با آقای ولادیمیر پوتلیاکوف مسئول امور خاورمیانه وزارت امور خارجه شوروی بنیدار و گفتگو نشست . شیخ صباح الاحمد الصباح ، وزیر امور خارجه کویت که از چند سال پیش کشورهای عضو " شورای همکاری خلیج " را به برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای سوسیالیستی تشویق میکند ، شادمانی خود را از این سفر آشکارا ابراز داشت : " امیدواریم که فوتبال وسیله ای باشد تا روابط سیاسی میان مسکو و ریاض از سر گرفته شوند . " همانطور که " دیپلماسی پینگ پنگ " سه رسمیت شناختن چین کمونیست از طرف ایالات متحده به هنگام زمامداری نیکسون پیامد داشت . در حال حاضر دیگر کسی از خود نمی پرسد که آیا روابط دیپلماتیک میان عربستان سعودی و شوروی از سر گرفته خواهند شد یا نه ؟ بلکه پرسش این است : کسی این عمل صورت خواهد پذیرفت ؟ گر چه تغییر رویه شوروی در طی سالهای اخیر چشمگیر بوده است ، لیکن این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که کشورهای خلیج نیز به گونه ای دیگر این نزدیکی را موجب گشته اند . در این میان نقش دولت ریگان حائر اهمیت بسزایی است . خودداری مکرر ایالات متحده از فروش اسلحه به دولتهای محافظه کار عرب نظیر اردن و کویت - به سبب مخالفت اسرائیل - موجب گردید که این کشورها برای خرید سلاحهای مورد نیازشان سه

بازگشت

در کوچمها جار زدند

" سپیده "

و ما بی هیچ تاملی به کزجه ریختیم
دشمنه بارید و خون جوشید
به خانه آمدیم

ترا دوباره کی خواهیم دید !

وطن خفته در خون

ای خورشید زمینی

که دوست میداشتم ،

ایشمها گلپای معطرت را .

افسانها

و خاطرات خوش گذشتهات را - بهارت را

++++

در روشنایی فردایت

خواهیم دید .

آسمان پر ستاره را

ورقیان راه و رنجان را

که یخندجان آفتاب

و اندوهشان

تاریکیست .

++++

اینک

اجساد آنان شهرها را

معطر کرده است .

و فانوس نامهباشان

در خیابانها نور فشانی میکنند .

++++

مسکو رو آورد . کویت حتی از یکسال پیش میزبان مشاوران نظامی شوروی نیز میباشد . رهبران امارات خلیج به این نکته وقوف یافته اند که برقراری روابط دیپلماتیک با شوروی نه تنها کشورها را به جانب کمونیسم سوق نمیدهد بلکه موجب میگردد که از حملات شوروی بر علیه " رژیم های ارتجاعی عرب " نرسر در امان باشند . خاندان حاکم بر کویت که در سال ۱۹۶۴ از بیم تمایلات توسعه طلبانه عراق اقدام سه برقراری روابط دیپلماتیک با شوروی بمنزله نوعی بیمه حواصت - نمود از این عمل خوش ناخرسند نیست سلطان قابوس نیز بیست و دو سال بعد به اقدامی مشابه دست زد به این امید که شوروی شور انقلابی همسایه آشوبگرش یمن جنوبی را کمی آرام سازد . اگر سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج یعنی قطر ، بحرین ، امارات متحده عربی و بخصوص عربستان سعودی نیز از کویت و عمان پیروی کنند . این امر بر سیاستهای این شورا تاثیر عمیق خواهد نهاد . شوروی در این منطقه به موفقیت بزرگی دست یافته است و اکنون نوبت آنست که امریکاشیا سه بررسی اشتباهات خود بشنوند .

بسویت خواهیم آمد

وطن خفته در خون

ای خورشید زمینی

تا با کوی و برزن نهایت مشتاق کنیم

تا بر تربت پاک باران اشکی در افکنیم

بارانی که برکشان

سرچشمه ی آواز یا برهنگان است .

++++

و اینک

این جامعه ی شماست در تن ما

که بوی بهاران را دارد .

این نیروی شماست در بازوان ما

که می فشرد ، گلوی تاریکیها را

++++

بسویتان می شتابیم

ای باران دل انگیز

و شما

با جامعه ی خونین

از ژرفای خاک بر خواهید خواست .

و با سیمای تابناکتان

در گذرگاهها جلوه گر میشوید .

و ما ،

با کوله باری از سرود روشنی بر دوش

آوای سر میدهیم .

سرود شما را

که آهنگشان

در هولناکترین توفانها ، ریشه بر کاح ستم افکند

++++

آه

ای بیچارگان خفته در سینه خورشید

اینک

خون شماست که چراغانی کرده است

ایران را

و بهار

روشنی را نوید می دهد .

++++

با اینچه

ما باز خواهیم گشت

ای خورشید زمینی

ایران خون آلود

شاید در کجاوه رنگین

یا در تابوتی

شعله ور !

امین ۱۷ مارس ۸۶

شهادی ...

بقیه از صفحه ۱۰

۱۳۵۵ - رفقا : هادی فرجاد پزشک - لادن ال آقا
سپرنوش حائسی - محمد رضا قنبر پور - احمد رضا
قنبر پور - فرزاد دانگر - عزت قروی - ارژنگ و ناصر
شایگان شام اسبی - فرهاد صدیقی یاشاکی - قربانعلی
برزگاری - جهانگیر باقر پور - میترا بلبل صفت - بهروز
ارمغانی - اسماعیل عابدی - زهره مدبر شانه چسی
دسین فاطمی
۱۳۵۶ - رفیق عبدالله پنجه شاهی
۱۳۶۰ - رفیق حبیب الله بهرامی
۱۳۶۱ - رفیق رضا نعمتی

بیانیه شماره ۱

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت)

خطاب به افکار عمومی و نیروهای مترقی و بشردوست جهان

چند هفته گذشته اقداماتی ماجراجویانه، از طرف یک باند جنایتکار در محل اقامت رهبری مقاومت ایران و مسئول شورای ملی مقاومت آقای مسعود رجوی در شهرک اورسور-آواز فرانسه صورت گرفت که تنفر و انزجار نیروهای انقلابی مقاومت ایران را برانگیخت. باند جنایتکار موسوم به اقلیت، هنگامی دست به این اقدامات خصمی پستندانه میزند که تضادهای و اختلافات درونی اش شدت اوج گرفته تا جایی که چندی قبل (در ۴ بهمن/ماه ۶۴) در محل استقرار سران اصلی این سازمان در اردوستان، درگیری مسلحانه و خونینی صورت گرفت که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از مترجمین داخلی این گروه گردید. بر طبق اظهار نظر بسیاری از نیروهای ایرانی مستقر در آن منطقه و نیز اظهار نظر کمیسیون تحقیقی که به همین منظور تشکیل شده بود، سبب اصلی این جنایت و کشتار خونین، سران اصلی باند موسوم به اقلیت که اکنون نیز مبدع و سازمانده عملیات ماجراجویانه در اورسور-آواز هستند، بودند. از ایرو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) بعنوان جریان اصلی و اصولی فدائی در ایران، لازم می‌ماند موارد زیر را برای افکار عمومی و نیروهای مترقی-صلح‌طلب و بشردوست جهان روشن نماید:

۱- اقدامات دارودستهی جنایتکار موسوم به اقلیت که به دروغ نام "فدائی خلق ایران" به خود گذاشته‌اند، ربطی به نیروهای اصلی اپوزیسیون رژیم خصمی که طرفدار استقلال، صلح و آزادی در ایران می‌باشند ندارد. اقدامات نیروهای مقاومت ایران، اقدامات آزادی‌خواهانه، صلح‌طلبانه و متفق و نیز اظهار نظر کمیسیون تحقیقی که به همین منظور تشکیل شده بود، سبب اصلی این جنایت و کشتار خونین، سران اصلی باند موسوم به اقلیت که اکنون نیز مبدع و سازمانده عملیات ماجراجویانه در اورسور-آواز هستند، بودند. از ایرو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) بعنوان جریان اصلی و اصولی فدائی در ایران، لازم می‌ماند موارد زیر را برای افکار عمومی و نیروهای مترقی-صلح‌طلب و بشردوست جهان روشن نماید:

۲- خوش‌خدمتی‌های این باند جنایتکار به رژیم خصمی که در اروپا توسط چهره‌ی مافیایی این باند "حسین زهری" رهبری و سازماندهی می‌شود، هیچ ربطی به نیروهای چپ مستقل، انقلابی و آزادخواه ایران نداشته و بویژه استفاده‌ی ناشروع این باند از نام "فدائی خلق ایران" برای اهداف حقوقی و تشکله‌ای سران این باند که حاضرند حیثیت و شرف جریان پیششار فدائی را قربانی امیال فسادناهی و قدرت‌طلبانه‌ی خود نمایند، است. فدائیان واقعی خلق ایران با قاطعیت اعلام می‌دارند که هیچگاه این جریان منحط را بعنوان یک جریان در طبق فدائی برسمیت نشناخته و نخواهند شناخت.

۳- جریان مبارزه‌ی آزادخواهانه، صلح‌طلبانه و استقلال‌طلبانه، مردم ایران و مقاومت انقلابی با تمام عشق و اصالت خود، جریان‌های (از قبیل این باند جنایتکار که بجای مبارزه علیه رژیم خصمی نیروهای طرفدار صلح و آزادی را مورد حمله قرار می‌دهند را هر چه بیشتر افشا، نموده و اکنون باید گفت که این جریان جنایتکار دیگر حتی در چارچوب گروه‌های سیاسی نیز قابل ارزیابی نبوده بلکه خصومت و حرفه‌ی اصلی اینان توطئه‌گری علیه نیروهای مقاومت می‌باشد. بدین جهت ما یکبار دیگر اقدامات ماجراجویانه‌ی این دارودستهی جنایتکار علیه نیروهای مقاومت ایران را شدیداً محکوم می‌نماییم.

نماینده و سخنگوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) و نماینده‌ی این سازمان در شورای ملی مقاومت مهدی سابع ۱۷/آوریل/۶۴ (۲۸/فروردین/۶۵)

بیانیه شماره ۲ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پیرو برنامه (هویت)

خطاب به افکار عمومی و نیروهای مترقی، صلح‌طلب و بشردوست جهان

همچنانکه در اطلاعیه‌ی شورای ملی مقاومت (۱/اردیبهشت/۶۵) آمده است: "در شرایطی که بحران‌های فزاینده‌ی اقتصادی و اجتماعی و بی‌بست جنگ و ناراحتی عمومی و بویژه اعتلای جنبش مقاومت، رژیم سرکوبگر خصمی را در سراسر کشور سقوط انداخته است. در روزهایی که حامیان داخلی و بین‌المللی رژیم برای نجات این محضرت و تضعیف جنبش مردم و بویژه شورای ملی مقاومت به هر توطئه‌ای متوسل می‌شوند باند جنایتکار گامیابی- زهری (معروف به اقلیت) بعد از کشتار فجیع درون‌گروهی برای انحراف اذهان و برخورداری از جزی که دشمنان مقاومت ایران علیه شورای ملی مقاومت ایجاد نموده‌اند، طی روزهای ۲۸/اسفند تا ۲۵/فروردین/۶۵ به نمایش‌های نفرت‌انگیز و اقدامات فسادناهی دیگری علیه مقاومت مردم ایران در مقر شورای ملی مقاومت و محل اقامت آقای مسعود رجوی مسئول این شورا دست بازید که انزجار عمیق عموم هوشتان شراتمند و آگاه ما را برانگیخته است."

مزدوران این باند در راستای ضدیت و لجن‌پراکنی علیه نیروهای مقاومت انقلابی مردم ایران از انتشار آشکارترین دروغ‌ها نیز ابایی ندارند. منجمله در روزنامه‌ی فرانسوی لوموند (شماره ۲۱۸/آوریل/۶۴) مطالبی به نقل از مزدوران باند مافیایی به سرکردگی حسین زهری و اکبر کامیابی درج شده که سراسر آن دروغ و خلاف واقع می‌باشد. واقعیت اصلی این است که چندی قبل (۴ بهمن/۶۴) سرکردگان جنایتکار این باند به سمت تعدادی از مترجمین درون گروه خود، در یکی از روستاهای غربستان عراق، با مسلسل شلیک نمودند که منجر به کشته و زخمی شدن ۱۱ نفر از آنان گردید و اکنون بزای سرپوش گذاشتن بر آن جنایت بزرگ و برای پنهان کردن ورشکستگی سیاسی و اصلحلال تشکیلاتی خود، دست به اینگونه جار و جنجال اقدامات ماجراجویانه می‌زنند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- پیرو برنامه (هویت) برای روشن شدن ذهن خوانندگان روزنامه‌ی لوموند در بیان افکار عمومی و نیروهای مترقی و بشردوست جهان توضیحات زیر را ضروری می‌داند:

۱- روزنامه‌ی لوموند از قول مزدوران این باند نوشته است "هواداران مسعود رجوی در نشریات داخلی خود هیوئتهای سه تن از بالاترین مسئولینشان را که در ایران زندگی مخفی دارند، منتشر کرده‌اند". سراسر جمله نقل شده دروغ محض می‌باشد زیرا:

الف- اساسی سرکردگان این باند نه توسط سازمان مجاهدین خلق ایران، بلکه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- پیرو برنامه (هویت) اعلام شد. ما بدین علت اساسی این جنایتکاران را اعلام نمودیم که پس از کشتار ۴ بهمن/۶۴، که سبب اصلی آن همین جنایتکاران بودند، این باند دیگر فاقد مختصات یک گروه اپوزیسیون رژیم خصمی می‌باشد. پس از ما مخالفین و مترجمین درونی این باند جنایتکار نیز اساسی ۴ نفر از مسئولین کشتار ۴ بهمن/۶۴ و منجمله ۲ نفری را که ما افشا، نموده بودیم، اعلام نمود.

ب- به ندری که اساسی آنان توسط ما اعلام شد، هرگز در ایران اقامت ندارند. دو نفر از آنان در یکی از شهرهای عراق (کرکوک) و یک نفر از آنان در فرانسه بعنوان پناهنده اقامت دارد. ج- هر سه نفر سرکردگان این باند، در زمان شاه زندانی بوده و دارای پرونده همراه با عکس و هویت کامل در ارگان‌های امنیتی رژیم می‌باشند و پاسداران خصمی بخوبی از هویت آنان باخبر بوده‌اند باسافه اینکه یک نفر از همین افراد پس از انقلاب برای نمایندگی در مجلس شورای رژیم خصمی کاندیدا بوده و بارها عکس‌ها و مشخصات او در مطبوعات علنی بهجای

رسیده است. ۲- روزنامه‌ی لوموند از قول مزدوران این باند جنایتکار نوشته است "صدها نفر از رفقای ما هیچگاه زیر شکنجه این اساسی را نداده بودند". این مطلب نیز دروغ محض می‌باشد. زیرا در اسفندماه ۱۳۶۰ تعدادی از افراد وابسته به جریان اقلیت توسط پاسداران خصمی دستگیر شدند که از میان آنان دو نفر به اساسی احمد عطاللهی و عطالاله نوربان، خیانت نموده و اطلاعات کامل خود را در اختیار پاسداران رژیم خصمی قرار دادند. برای اینکه مسئله بیشتر روشن شود به موافقت احمد عطاللهی و مجموعه اطلاعاتی که در اختیار ما مورین امنیتی رژیم خصمی قرار داد اشاره می‌کنیم.

۳- احمد عطاللهی عضو مشاور کمیته مرکزی اقلیت و مسئول چاپخانه و پخش نشریات اقلیت بود سناً محل پایگانی اسناد سازمانی در چاپخانه نیز در اختیار وی قرار داشت. احمد عطاللهی یکی از سرکردگان در کنگره اول اقلیت (متعدد در زمستان ۶۰) بود. پس از آن تا ضربه‌ی اسفند/۶۰ وی کرازا در جلسات کمیته مرکزی اقلیت شرکت می‌کرد. احمد عطاللهی مسئول مسئول مستقیم حسین زهری که یکی از سرکردگان کنونی این باند است، و در آن موقع پخش نشریه‌ی کار را بعهده داشت، بود. با توجه به اینکه احمد عطاللهی نیز در زمان شاه در زندان بود، بخوبی از هویت حسین زهری و اکبر کامیابی اطلاع داشت، بخصوص که پرونده‌ی احمد عطاللهی و اکبر کامیابی در زمان شاه مشترک بود. احمد عطاللهی محل چاپخانه و اسناد سازمان اقلیت را در اختیار پاسداران خصمی قرار داد. در میان اسناد پیششاری که بدست پاسداران امنیتی رژیم خصمی افتاد، نوار کامل کنگره اول و صورتجلسات آن قرار داشت. احمد عطاللهی سپس در تلویزیون رژیم خصمی حضور پیدا کرد و علیه مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران لجن‌پراکنی نمود. روشن است که وقتی فردی با این موقعیت و اطلاعات، به جنبش خیانت می‌کند و اطلاعات خود را در اختیار مقامات امنیتی رژیم خصمی قرار می‌دهد، بهمانی باند مافیایی به سرکردگی حسین زهری و اکبر کامیابی مبنی بر اینکه از این اساسی رژیم خصمی اطلاع نداشته و تاکنون هیچکس آنرا به رژیم نداده، چقدر مضحک و بی‌پایه است و بنابراین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران- پیرو برنامه (هویت) یکبار دیگر اعلام می‌نماید که مسئولیت کامل اعلام اساسی ۳ نفر سرکرده‌ی این باند جنایتکار را بعهده گرفته و مسئولیت کامل آنرا در مقابل مردم محروم ایران و افکار عمومی سراسر جهان می‌پذیرد. ما از هر نوع افشاکری به هر شکل از طرف نیروهای مقاومت علیه این جریان منحط دفاع می‌کنیم. ما باز هم اعلام می‌کنیم که سرکردگان این باند، اهداف نامقدس را در پشت این هیاهوی ماجراجویانه دنبال می‌کنند تا بتوانند غیبت طولانی خود را در صحنه مبارزه با رژیم خصمی توجیه و بر ورشکستگی سیاسی و اصلحلال تشکیلاتی خود سرپوش گذارند. درواقع مبارزه‌ی آنان علیه رهبری مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران در ردیف اقدامات و تمهیدات رژیم بوسیدنی خصمی و حامیان بین‌المللی آن است که گسترش مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران، منافع و مطامع ناپاک آنان را زیر سؤال می‌برد.

مهدی سابع
سخنگوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
و نماینده‌ی سازمان در شورای ملی مقاومت
۲۴/آوریل/۶۴

شیوه جدید سرکوب زان

کعبا تمام این شیوه‌های ارتجاعی نتوانسته‌اند زنان ایران را به زنان مورد دلخواه خود تبدیل کنند، باز در پی طرح‌های دیگری برای هر چه بیشتر سرکوب کردن آنان می‌باشند. در همین رابطه فرستگانی خاشن در نماز جمعه ۱۲ اردیبهشت‌ماه گفته است که هپاکسون قانون جدیدی در دست تنظیم است که بموجب آن افرادی که به اتهام "بدحجابی" در خیابانها و اماکن عمومی دستگیر شوند، به اردوگاههای اجباری اعزام خواهند شد تا تحت "تادیب و بازسازی" قرار گیرند و این افراد باید هزینه مدت اقامت خود را بپردازند. زنان آگاه ایران مخالفت خود را با این اقدام ارتجاعی نشان خواهند داد. واقعیت ایست که ایران با وجود چنین حکومت مرتجع می‌باشد برای زنان مثل زندان است. جایی که ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی یعنی حق پوشش را از انسان سلب کرده است. چنین رفتاری که آزادی‌شان در سرنگونی رژیم ارتجاعی خصمی میسر می‌باشد، با ایجاد جنبش اردوگاه‌هایی دست از مبارزه برای تحقق حقوق دمکراتیک خود برخواهند داشت.

کارگران همه کشورها و خلقهای تحت ستم جهان متحد شوید



کارگران و زحمتکشان
برای سرتنگونی رژیم
خمینی، نابودی جنگ
و استقرار صلح و آزادی
دروا حدهای مخفی
مقاومت متشکل شوید

اول ماه مه روز جهانی کارگران گرامی باد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
بیرو برنامه (هویت)

۶۵/۲/۱۱

برخی از رویدادهای تاریخی

۱۳۵۹/۲/۱ - سرکوب خونین جنبش دانشجویی توسط ارتجاع حاکم با طراحی خوب جمهوری اسلامی و شهادت تعدادی از دانشجویان در سراسر کشور
۱۳۲۰/۲/۲ - اعتصاب کارگران نفت جنوب و اعلام حکومت نظامی
۱۳۵۹/۲/۵ - شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طمس
۱۳۳۲/۲/۶ - شهادت افشار طوس، رئیس شهرهای حکومت ملی دکتر مصدق
۱۳۵۸/۲/۶ - دستگیری مجاهد قهرمان، شهید محمد رضا سعادت توسط مزدوران ارتجاع
۱۳۶۰/۲/۷ - راهپیمایی با شکوه مردم تهران که به ابتکار مامران مجاهدین خلق ترتیب داده شده بود
۱۳۵۰/۲/۸ - سرکوب اعتصاب و نظاهرات کارگران جهان چیت تهران توسط مزدوران رژیم شاه
و شهادت ۳ کارگر قهرمان و جبهه الله چشم افروز علی کارگر و حسین نیکونکار و زخمی شدن ۴ نفر
۱۳۳۰/۲/۹ - تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون "خلع بد" از شرکت نفت انگلیس
۱۳۹۹/۲/۱۱ - نخستین نمایش کارگران در ایران در روز اول ماه مه که به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه کارگران تهران صورت گرفت
۱۳۶۱/۲/۱۲ - شهادت جمعی از مجاهدین خلق و منجمله مجاهدین قهرمان محمد ضابطی، قاسم باقر زاده، حمید جلال زاده، احمد کلاهدوز نصرت رمضانی، بیروین بوسنی و حسین امیر پناهی
۱۳۴۷/۲/۱۲ - شهادت انقلابیون برجسته خلق کتر د اسماعیل شریف زاده، محمد شادمانی، علی عبدالله کول در کردستان ایران
۱۳۴۰/۲/۱۲ - شهادت دکتر خانبعلی (روز معلم)
۱۳۳۸/۲/۱۵ - درگذشت محمد علی افراشته شاعر مبارز ایران
۱۳۴۷/۲/۱۵ - شهادت انقلابی برجسته خلق گسرد سلیمان معینی
۱۳۵۴/۲/۱۶ - شهادت مجاهد خلق شریف زاده توسط رهبران جریان اپورتونیستی - آوارشیستی پیکار
۱۳۳۳/۲/۱۸ - شهادت انقلابی دلیر وارطمان سالخیا (نازلی) در زیر شکنجههای دژخیمان شاه
۱۳۴۷/۲/۱۹ - شهادت شاعر مبارز خلق کرد، ملا احمد شلماسی (ملا آواره)
۱۳۳۷/۲/۲۱ - شهادت انقلابی دلیر و فرزند برجسته مردم ایران، خسرو روزبه
۱۳۳۳/۲/۲۲ - کشتار فجیع زندانیان سیاسی در زندان رشت توسط دژخیمان رژیم شاه
۱۳۷۰/۲/۲۵ - لغو امتیاز تنباکو بدستگاه اعتراضات گسترده مردمی و تحریم استفاده از تنباکو توسط میرزا حسن شیرازی
۱۳۶۳/۲/۲۸ - شهادت کاک عبدالله بهرامی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
بقیه در صفحه ۲

گردان انقلاب

از خانه
از خانه
تا کارخانه
از خانه ها تا کارخانه ها
از کرانه کار
تا میدان پیکار
چشم در چشم
خشم کارگر
دست در دست
داس بر کشیده ی بزرگر
از کوه تا شهر
صف به صف سرود خوان
موجهایی از انسان
هر موج خروشان
کران تا کران
دریایی پیکران
پرچمی در دست کارگر
مشعلی فرا راه بزرگر
صف به صف
گردان انقلاب پیش میرود
ژاکاوا - آمان / ۶۴

شهادت فدائی
در
اردیبهشت ماه

برای فتح قله های
صلابت عشق؛
عشق به آزادی؛
عشق به مردم؛
عشق به بربری؛
یامرگ بیسوزی.

۱۳۵۰ - رفقای فدایی
۱۳۵۰ - رفقا: کاظم سعادت - خلیل سلحاسی نژاد
۱۳۵۳ - رفیق مرضیه احمدی اسکویی
۱۳۵۴ - رفقا: شیرین فبیلست کلام - محمد نمازی
علی اکبر (فریدون) جعفری
بقیه در صفحه ۸

باکمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و با فتوکپی آنرا به یکی از آدرس های سازمان ارسال دارید.

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS BANQUE
2365
MME. TALAT R. T.
2617 G
LES HAUTS DE CHATOU
78400 CHATOU FRANCE

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

فرانسه <

برای دریافت نبرد خلق

و سایر انتشارات سازمان با

آدرس زیر مکاتبه کنید

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم